



۲۰۲۴/۱۲/۱۲

دوکتور محمد اکبر یوسفی

«سیکولر یزم»، نه «سیکولر»!



„Es gibt keine gefährlichen Gedanken; Das Denken an sich, ist gefährlich.“ — Hannah Arendt

Quelle: <https://beruhmte-zitate.de/autoren/hannah-arendt/>

«هیچ فکر خطرناک وجود ندارد؛ این فکر کردن در خود، خطرناک است» (هنا آرینت)

«ایریک هوبسباوم»، مؤرخ و فیلسوف معروف انگلیسی، یک زمان با حکایت از کارشناسان و دانشمندان قدیمی معروف تاریخ و علوم اجتماعی، نقل نموده است که: **«غلط فهمیدن تاریخ خودی، ملت را می سزاد.»** اضافه از دوصد سال است، که به آن مفهوم «ملت»، که حاصل آن «غلط فهمی»، بوده است، چه بسی انسانها را بر آن «باورمند»، ساخته است. سایه تاریک و گذشته خونین و عملکردهای نا بخشودنی، «حاکمیت سیاسی» و «دیکتاتوری» هائی که منجمله در تحت نام «ناسیونال سوسیالیزم»، ثبت تاریخ شده است، فراموش نمی شود. حال اگر به مباحث و مناقشاتی که در حال حاضر، در حلقهات مختلف «بنیادگرای» و «افراطیون» «اسلامی» با سائر «گروهک های» «گوناگون، جریان دارد، که خود آنان را «آزاد اندیش»، «دیندار»، «بی دین» و یا «خدا باور» و «خدا ناباور»، «رسول» و «منتقدین قرآن» و غیره و غیره، معرفی می کنند، گوش داده شود، می یابیم که درین گیرودار و رقابت های آنان، بر سر کسب قدرت و نفوذ سیاسی، یک عملکرد واحدی را هم انجام می دهند، اینکه اعتراف کنند و یا نکنند، در نهایت، با وجود آنکه، ظاهراً در زیر شعار «ضدیت» با «وضعیت نا مطلوب کنونی»،

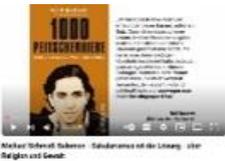


در افغانستان، داد می زنند، باز هم، بسود «تسخیر کننده گان» تمام می شود. یکی با معرفی خود، که ادعای «پیروی از دین» را بزبان می آورد، در تحت «شعار» «دین، خود را، مستحق رهبری سیاسی می داند و دیگر آن در تلاش است، تا در مخالفت با «دین»، برای موقف خود پیرو جذب کند، بی خبر از اینکه مسئله بر سر دین اسلام نیست. مردم افغانستان با دین اسلام مشکلی ندارند. این قدرت طلبان اند، که می خواهند با تعبیر انحرافی خود آنان، از دین اسلام، از احساسات مردم دیندار، سوء استفاده کنند. اجتماع انسانی به این امر علاقمند نیست، تا بشنود، که چه کسی خود را چه معرفی می کند و چه کسی است، بلکه منتظر آنچه هست که ببینند که این چنین افراد چه می کنند. فیلسوف و تیئوریسن سیاسی، «هنا آرینت» تأکید می نموده است که: **«نه این**

انسان انفرادی درین سیره زنده گی می کند، بلکه انسانها زنده گی می کنند. این انسانها در جمع، قانون زمین است.» بناءً برای رسیدن به صلح، باید با تمام نیرو و امکانات موجود کاری شود، که «صلح» برقرار گردد. «همزیستی»

پیروان این همه ادیان و غیر ادیان برای برقراری صلح، لازمی شمرده می شود. وقتی، اعلان «ختم جنگ» را به زبان آورده اند، لازم بوده می توانست که هیچ کسی از اشتراک درین پروسه "تحریم" نمی شد. مقدم بر همه، باید در فکر آنگونه وظایف و مکلفیت ها می بودند، که به «برقراری صلح» یاری می رساند. در پهلوی خرابکاری های "مخالفین" گوناگون، اعلان "یکنواخت" و "تکراری" زمامداران امروزی، از طریق سخنگویان و مبلغین آنها، هم چنان غم انگیز، نگران کننده و بعضاً "شرم آور" نیز شمرده می شود. از جمله می توان از درک نادرست، رهبران و مبلغین تسخیر کننده گان یاد نمود. آنها در رابطه با نورم ها و حقوق عام انسانی، که در مناسبات "بین المللی" قبول شده است، خیلی خجالت آور موضعگیری می کنند. در برابر همه اعتراضات بین المللی، مدعی می شوند که: "مسلمان هستیم" و به کسی در "امور داخلی ما"، اجازه نمی دهیم. با این چنین کلمات در حقیقت تمام دنیا را "مداخلگر" و "جنایتکار" و "دشمن مردم ما" تبلیغ می کنند و در لحظه بعدی، "طلب کمک های بشری" را از همان جهان، به زبان می آورند. درینجا فقط بطور مختصر، از اعلامیه عمومی حقوق بشر سازمان ملل متحد ... یاد می کنیم: « ۱ - تمام انسانها آزاد و با عزت و حقوق مساوی تولد یافته اند... ۲ - هر یک حق ادعای داشتن همین حقوق اعلان شده را داراست... ۳ - هر یک به زنده گی، آزادی و امنیت فردی حق دارد... ۴ - هیچ کسی نه باید در غلامی و برده گی نگهداشته شود...» حال صرفنظر از همه جزئیات، فقط دو نقطه را یادآور می شویم: اول مردم و یا اتباع یک کشور حق دارد که از جانب حکومت اطلاعات شفاف و روشن و به موقع دریابند. رهبران «حکومت سرپرست» مکرراً داد می زنند که: «افغانستان وطن همه افغانهاست»، به همه اتباع مهاجر خارج از کشور، "درس وظیفه اخلاقی" می دهند و از آنها می طلبند که بیایند، در اطاعت از آنها، "وطن" را آباد کنند. آیا اینها در اظهار چنین مفهوم کدام اختراع نو کرده اند؟ آیا این همه انسانهایی که در بیش از چهارنیم دهه، در سراسر دنیا، با فامیلیهای آنها، پس از قبول همه خطرات و بعد از تحمل همه دشواری ها، حال ممکن در کنج و کنار دنیا، محل اقامت یافته باشند و هم ممکن شغلی آموخته باشند و تهداب زنده گی محدود را برای خود و فامیل های آنها، ریخته باشند، آنقدر بی خبر خواهند بود که نتوانند، بفهمند، که «افغانستان» میهن همه این «مهاجرین» بوده است. اگر این زمامداران، این جمله را، خیلی «بکر» می دانند، پس این سؤال هم مطرح شده می تواند که آیا این «زمامداران»، در لیست کاندید شده گان دریافت، جائزه «نوبل» ثبت شده اند و یا نه؟ نقطه دوم، یک اظهار «سخنگوی» و یا مسوول دفتر «امارت اسلامی» در قطر است، که کاندید مقام نماینده گی دائمی حکومت آنها در سازمان ملل متحد، یاد شده و دائماً، آن سازمان را به ارتباط، نه سپردن چوکی برای او، به بی انصافی محکوم کرده است، درین اواخر، در باره جریان مذاکرات آنها، با ایالات متحده در "نوحه" مدعی می شود که گویا از جانب امریکا «وعده داده شده بود که "سه ماه" بعد نامهای رهبران آنها از لیست سیاه حذف می گردد...؟» آیا نامبرده با همچو اظهار لازم نمی دانسته است، که بگوید که این چه نوع تعهد بوده باشد. شفاهی و یا تحریری؟ آیا این فرد متوجه است، که شنونده، بین اظهار یک فرد رسمی و شخصی، تفاوت را در اعتبار به کلمات می بیند. حال هرگاه به نظرات "بی دین" و "دیندار" گوش داده شود که درین روزها در "سوشیال میدیا" و "تیک تاک"، گروهک های مختلف، مصروف اند، چنین انتباه هم حاصل شده می تواند، که همچو، "غلط فهمی" مشابه را که در بالا در مورد «ملت» یاد کرده ایم، مبلغین، این همه "گروهک های مستخدم" در جنگ های "نیابتی" در رابطه با مفهوم "سیکولریزم" نیز مرتکب می شوند. این همه "گمراهان" که در حال حاضر، دستگاه ها و "میدیاها" در خدمت آنان قرار داده شده است، تا به تبلیغات دیوانه وار آنها، با استفاده از "ماشین ها" و "رُباط های" پروگرام شده، بپردازند. این نوع فعالیت ها، گمراهی وحشتناکی را هم در حیات توده های مردم مسبب شده است. استعمال نا درست این مفهوم از جانب هر

دو "جانب درگیر" در محافل بنیادگرای اسلامی و غیر اسلامی، که مشغول رقابت، بر سر قدرت اند، شنیده می شود. این نویسنده قبلاً هم، از لکچر همین "فیلسوف" و پروفیسر جوان آلمانی، به نام "میشائیل شمیت - سلومون"، گزارشی را بشکل مقاله تهیه نموده است، که نامبرده "پروسة سیکولریزیشن" را در "حکومتداری" در جوامع "عیسوی"، تشریح نموده، بیان داشته است که "این اقدامات"، خارج از محافل پیشوایان "کلیسا"، تحمیل نشده است. او گفته است که چنین یک "حرکت" مشابه، از جانب "روحانیون" و "علمای اسلامی"، تا آنزمان (قریب هفت سال قبل) به راه نیفتاده است. (خلاصه اینکه، تا آنزمان، هیچ قدم مشابه، توسط روحانیون اسلامی برداشته نشده است، که کدام تجدید نظر بر معتقدات دینی، برای پیروان دین اسلام را، اعلان کرده باشند. پس این مبلغین، بنابر چه مدرک، کلمه "سیکولرها" را به زبان می آورند، در حالی که پیشوایان دینی در کشور، چنین طرخی را اعلان نکرده اند. مردم افغانستان این چنین حلقهات را که به نفع مواضع قدرت آنها، با سوء استفاده از دین، "مهر سیکولر"، می کوبند، محکوم خواهد کرد. پس آنعه که در مسابقات تبلیغاتی، درین "میدیاها"، خود آنانرا را "مسلمان سیکولر" می نامند، تا چه حد به رهنمودهای "دینی" و نقش "پیشوایان دینی"، در دین "اسلام" پا بند اند؟ این در حالی است که در ذهنیت "عامه"، پیشوایان این "دین اسلام"، همه را "برادر"، "مؤمن" و "متحد" می دانند؟) این «پروفیسر» نمونه هایی هم، از "معترضان" و «منتقدین»، عملکرد «رهبران و روحانیون» در جوامع "اسلامی" دیگر، نظیر یک خانم نویسنده از "سومالیه"، که قبلاً «مسلمان» بوده است، اما در جریان «بحران سومالیه»، از اسلام «روگردان» شده است، یک نویسنده و "اسلام شناس" مصری که در "آلمان زنده گی می کند...؟" بیان می دارد و هم چنان ازین تبعه "سعودی"، که به نسبت "اظهار نظر" در مورد اینکه، در جوامع اسلامی برای رسیدن به صلح، "سیکولریزیشن" راه حل است، در زندان بسر می برده است، چنین- نقل نموده است:



«(من با این جمله کوتاه و زیبا، غرق تعجب و سرور شدم، که چنین چیزی را برای خواندن، در بین صداهای عوام، در زبانهای محلی عربی تحریر یافته قابل اندیشه در همه کشورهای عربی دریافتم، ... این بدان معنی است که، در کدام جاتی، اینجا و درین زندان، کم از کم یک شخصی باید وجود داشته باشد، که مرا می فهمد. کسی، می فهمد، که برای چه مبارزه کرده ام و به چه سبب مرا درینجا، محبوس ساخته اند.»
(«رائف بدایو») «نامه از زندان» ... یکهزار شلاق ۱۰۰۰، زیرا آنچه را می گویم، که فکر می کنم.» (ترجمه از زبان آلمانی.)

فیلسوف می گوید، که: «"سیکوالریزم" راه حل است ... از دید او این مطلب نو نیست. درینجا از "توماس جیفرسن"، نقل می کند که در عین حال او را «نویسنده اعلامیه آزادی امریکا معرفی می کند»، که بعداً هم، خود سومین رئیس جمهور ایالات متحده، بوده است، او حال قریب به ۲۳۷ سال قبل، این «جدائی» دین را از حکومتداری، دفاع نموده است و در باره گذشته دین در دوره های حکومت های "دینی" چنین گفته است: «"دین یک شکلی از حکومت ستمگری است، که رنج و درد سنگینی را در تاریخ دوازده قرن، بر بشریت اهداء نموده است، چنان بی رحمی ها و مظالم را بر انسانها، روا داشته است، که خود سهم خودش را در حکومت ممنوع می سازد."» ("توماس جیفرسن") لکچر دهنده، هم چنان تأکید می ورزد، که «بدون "سیکوالریزم" و بدون "تورمهای" اجتماعی و شم چنان بدون جدائی نتیجه بخش "دین" و "تولدت"، بدون "آزادی بیان"، و در وضعیت "عدم احترام به حقوق بشر"،

نا ممکن است که «صلح»، «آزادی» و «صلوات» در جهان ما برقرار گردد و در امر «حل مناقشات» قدمهای مطلوب برداشته شود». در همان قریب هفت سال قبل، همین «پروفسور»، روحانیون اسلامی را هم «فرا خوانده»، گفته است که برای صلح جهانی مفید می بود، هرگاه دانشمندان و پیشوایان اسلام همچنین، یک چنین قدم مشابه را، مانند «عیسوی ها»، بر می داشتند. معلومات بیشتری را هم می توان، در «لینک» ذیل مطالعه کرد:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Yousofi_Akbar_Serkulasrisem_Rahe_Hal_Ast.pdf

در حلقات رهبری «بنیادگرایان اسلامی» و افراتیون آنها، هم چنان، ادعاهائی تبلیغ می گردد، که گویا «حکومت سیکولر»، «بی دین» است. آنها همه به جای «سیکولریزم»، بطور اشتباه آمیز «سیکولر» را بکار می برند. در جمله می توان، از «گلبدین حکمتیار»، یاد کرد. اما همه این «بنیادگرایان»، هم چنان «سیاست دینی» را مانند سائر «افراطیون» به پیش می برند. مبلغین کنونی درین صفحات مجازی جدید، با نام «تیک تاک»، بیشتر از هر وقت دیگر، تعبیرهای نا درستی را هم، پخش می کنند. درین صفحات «مجازی»، افراد «معلول» رسوا نیز، با آگهی محسوس سطحی از زبانهای خارجی، خود «آنرا»، با مهر «سیکولر» معرفی می کنند. این شغل «سیکولر» آنها را در کدام جامعه آموخته اند و به عنوان تابع کدام کشور، این نقش را بازی می کنند؟ قوانین کشور، چه مطالبه را مطرح ساخته است؟ در حالی که «سیکولریزم»، نه «سیکولر»! و درین جهانبینی، این کلمه «سیکولر» کدام حرفه و یا هنر خاص نیست که این «افراد» برای «کاریابی» با این «مهر» در پیش گیرند. در حال حاضر در بین حلقات «راسیستی» هم چنان، این افراد، تبارز می کنند و ضمن آنکه از «مسلمان» بودن آنها یادآور، می شوند، از موقف «برتری نژادی» خود آنها هم، صرف نظر نمی کنند و محسوس است که می خواهند از نفوذ فعلی «افراطیت» و «فنا تیزم اسلامی»، که بر قلمرو «تسلط» آنها را اعلام داشته اند، بهره ببرند، بناءً تمایلات «نژادی» آنرا» با «اسلام سیکولر»، تبلیغ می کنند. «دین اسلام» را حال افراتیون، «سیاسی»، ساخته اند و نوعی از «توتالیتاریزم» را حاکم ساخته اند. پس این همه حلقات مشغول در «تیک تاک» و سائر «میدیا ها» بر اساس کدام «روایت» دینی، خود آنرا، با این نسبت یاد می کنند، بدون اینکه بگویند که این چه است؟ این افراد که عمدتاً در خارج از کشور فعال اند، هم چنان تلاش بکار می برند، تا ازین کلمه «سیکولر» در پیوند با ادعای «اسلامیت» آنها، به عنوان راه مفید برای «جلب و جذب» «هوادر»، کار گیرند، بدون اینکه درک کنند، که چنین نقش یا «صفت» و نسبت وجود، ندارد. با این «غلط فهمی» یک «مهر جدید»، ضرب زده شده است. و خود آنرا، خود «مسلمان سیکولر» می دانند. به به. با این عقل و خرد. ممکن به آن، به مثابه کدام درجه «آکادمیک» نیز بنگرند و برای جلب و جذب «پیرو» (follower)، بیشتر، از آن امید داشته باشند. حال به «ویکیپدیا» مراجعه می کنیم. نخست ریشه لغوی این اصطلاح «سیکولریزم» (Säkularismus) را می یابیم. این کلمه را استخراج شده از کلمه «لاتینی» («سیکولوم» (saeculum)، وقت، عصر، یا «دوران» و هم چنان «قرن»، به مفهوم اینطرفی، متناقض با مذهبی-آنطرف، یعنی «ابدیت») یاد نموده اند. از دید آنها یک جهانبینی (Weltanschauung) است، که در محتوای آن، دنیوی بودن اجتماع را قبول نموده اند، و خارج از آن دیگر، به توضیحات «میتافزیک» و «مذهبی»، نیازمندی، احساس نمی نموده اند. این امر از دو پروسه سر بیرون کشیده است: یکی آنرا «دنیوی ساختن» (Säkularisierung) «سیکولریزیرونگ»، که پروسه «روانی» جدائی را در پیش گرفته اند، یعنی در بین «دین» و «دولت». ازین «سیکولریزیشن»، مفهوم «دنیوی ساختن» قدرت تأسیسات دینی را حاصل نموده اند. در عمل این هر دو مفهوم «مستقل» از همدیگر، در جامعه حضور دارند. برای مأمور «دولت» که بر طبق «سیکولریزم» عمل می کند، هیچ کس نه برای او «دین» خاصی را تحمیل می کند و نه هم با دین او کس غرض دارد. از جانب دیگر کدام «بی دین» هم در چنین شیوه حکومتداری،

در صورتی که در مؤسسات دولتی حاضر به احرای وظیفه باشد، امتیاز و اعتبار خاصی نمی داشته باشد. رهنمای همه کارکنان دولت، "مقررات قانونی" است، که قانون او را، در اجرای عمل توظیف نموده و در بدل کار خود، مزد برای امرار حیات دریافت می دارد و در صورت تخلف از قانون جوابگو، می باشد. این "سیکولر" کی است؟

پایان

.....



برای مطالب دیگر دوکتور محمد اکبر یوسفی روی عکس کلیک کنید

